

بررسی فرآیند رشد درک استعاره بدن‌مند در کودکان دو تا

پنج ساله فارسی‌زبان

سعیده شجاع رضوی^۱، بلقیس روشن^{۲*}، شیرین پورابراهیم^۳، نرجس بانو صبوری^۴

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام‌نور و استادیار پژوهشکده زبان‌شناسی، کتیه‌ها و متون،

پژوهشگاه میراث فرهنگی، تهران، ایران

۲. دانشیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران

۳. استادیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران

۴. استادیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران

دریافت: ۹۴/۸/۳

پذیرش: ۹۴/۱۱/۲۶

چکیده

نظام مفهومی ما که براساس آن فکر و عمل می‌کنیم، ماهیتی اساساً مبتنی بر استعاره دارد. کودک نیز از آغاز زبان‌آموزی با این تعامل شناختی رویه‌رو است. بر همین اساس بر پایه دانش اندک خود از محیط و واژگان، از نظام استعاری بزرگسالان نیز بهره می‌برد. کودک امروز دارای دانش شناختی متفاوتی از کودک زمان پیاژه و حتی پس از آن است. وسایل ارتباط جمعی، اسباب بازی‌های مدرن مانند ایکس باکس و تبلت، کتاب‌های مصور و انواع پازل‌ها همگی دنیای شناختی کودک را متحول ساخته است. به همین منظور، بازبینی زمان درک استعاری کودک، موضوع قابل توجهی است که پژوهش حاضر به آن پرداخته است. در این پژوهش میدانی، ۶۰ کودک دختر و پسر ۲ - ۵ ساله در شرایط آزمون قرار گرفتند. برای انجام پژوهش حاضر، آزمون خودساخته‌ای بر مبنای گردآوری عبارات استعاری کودک فارسی‌زبان و پژوهش میدانی بیالکا- پیکال (۲۰۰۳) صورت گرفت. یافته‌های پژوهش، حاوی زمان درک عبارات استعاری بدن‌مند و علاوه بر آن، میزان درک کودک با توجه به متغیر سن می‌باشد. نتایج پژوهش حاضر با نتایج بررسی بیالکا- پیکال (۲۰۰۳) همسو بوده است؛ با این تفاوت که پژوهش بیالکا- پیکال کودکان را از سه سال و سه ماهگی مورد بررسی قرار داده و پژوهش حاضر، کودکان فارسی‌زبان را از سن دوسالگی دارای درک عبارات استعاری بدن‌مند می‌داند. در این بررسی مشخص گردید که میزان درک با توجه به متغیر سن و علایق شناختی کودک رو به افزایش است.

واژگان کلیدی: معناشناسی شناختی، استعاره، روان‌شناسی شناختی، زبان‌شناسی فرهنگی، استعاره بدن‌مند.



۱. مقدمه

هدف کلی این مطالعه، دستیابی به دیدگاهی دربارهٔ زمان و میزان درک عبارات استعاری بدن‌مند^۱ توسط کودکان ۲-۵ سالهٔ فارسی‌زبان است. میان پژوهشگران دربارهٔ زمان درک عبارات استعاری اتفاق نظر وجود ندارد. روان‌شناسانی چون پیازده^۲ (۱۹۵۹) زمان درک استعاره را از نوجوانی عنوان کردند و زبان‌شناسان شناختی، نظام مفهومی را بر مبنای درک استعاری مطرح می‌کنند و معتقدند این دانش به صورت ذاتی از ملزومات دانش انتزاعی انسان می‌باشد (Vide. Lakoff, & Johnson, ۱۹۸۰). به همین منظور، پژوهش حاضر از آغاز گفتار کودک، یعنی حدود دوسالگی صورت گرفت تا میزان درک عبارات استعاری بدن‌مند که به اعتقاد بیالکا-پیکال^۳ (۲۰۰۳) اولین دانش استعاری کودک است، بررسی گردد. آنچه کودکان از آغاز زبان‌آموزی با آن مواجه‌اند، زبان روزمره است که اغلب دارای استعاره، مجاز، کنایه و سایر صور بلاغی است. ساختار استعاره و کاربرد آن از یکسو بر شناخت انسان از پدیده‌های طبیعی و جهان پیرامون تأثیر می‌گذارد و جهان را به گونه‌ای دیگر برای او معنا می‌کند و از سوی دیگر، نظام فکری و مفهومی ذهن انسان را نظمی دوباره می‌بخشد. کودک نیز از آغاز زبان‌آموزی با این شناخت و با این تعامل شناختی روبه‌رو است. بر همین اساس، بر پایهٔ دانش اندک خود از محیط و واژگان از نظام استعاری بهره می‌برد.

این مطالعه در پی پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر انجام شده است:

۱. از چه سنی کودک فارسی‌زبان عبارات استعاری بدن‌مند را درک می‌کند؟
۲. متغیر سن چه تأثیری بر روند درک عبارات استعاری بدن‌مند دارد؟
۳. رشد شناختی کودک چه تأثیری بر بسامد انواع استعاره‌های بدن‌مند دارد؟

۲. پیشینهٔ پژوهش

تاکنون مطالعات چندی دربارهٔ درک استعاری کودک در داخل و خارج از کشور صورت پذیرفته است که در این قسمت به چند نمونه اشاره می‌شود.

گرژیونا^۴ (۲۰۰۷) در پایان‌نامهٔ خود تحت عنوان «درک استعاری کودکان پیش از دبستان» به بررسی درک استعاری در کودکان پیش‌دبستانی پرداخت. در آزمون گرژیونا، کودکان دو

گروه سنی ۳ و ۵ ساله در مواجهه با چهار نوع استعاره نو و ناآشنای نحوی و معنایی قرار گرفتند و درک آنها از طریق آزمون دوگزینه‌ای ارزیابی شد. یافته‌ها نشان دادند که کودکان ۵ ساله درک بهتری نسبت به کودکان ۳ ساله دارند. کودکان ۵ ساله فقط تحت تأثیر ساخت نحوی هستند؛ درحالی‌که کودکان ۳ ساله تحت تأثیر ساخت نحوی و حوزه معنایی قرار دارند.

بیالکا-پیکال (2003) در پژوهشی تحت عنوان «استعاره در تفکر کودکان پیش از دبستان و کارکرد ذهن» به این امر می‌پردازد که کودکان پیش از دبستان چگونه استعاره را درک می‌کنند و ارتباط میان مبدأ و مقصد استعاری را چگونه به دست می‌آورند. این پژوهش به بررسی ۱۲۰ کودک هلندی‌زبان در سه گروه سنی: ۱) ۳ سال و ۳ ماه تا ۳ سال و ۹ ماه، ۲) ۴ سال و ۳ ماه تا ۴ سال و ۹ ماه، و ۳) ۵ سال و ۳ ماه تا ۵ سال و ۹ ماه پرداخته است.

آزمون‌های استعاری برای تشخیص درک و کاربرد استعاره از کودکان پرسیده شده‌اند. این آزمون‌ها عبارت‌اند از: عکس‌های دوتایی که پنج نوع شاخص استعاری بدن‌مند را به خاطر کودکان می‌آورد. این شاخصه‌های بدن‌مند عبارت‌اند از: رنگ، شکل، حرکت، اندازه و لامسه که براساس هریک از آنها دو نوع استعاره زبان هلندی از کودکان پرسیده شده است. به عنوان مثال، از مشخصه اندازه، دو عبارت استعاری «به چاقی بوم غلتون» و «به بلندی زرافه» از کودکان پرسیده شده است. در این پژوهش از میان مشخصه‌های استعاری، مشخصه حرکت و پس از آن، مشخصه رنگ از دیگر مشخصه‌ها برای کودکان قابل درک‌تر بودند و مشخصه اندازه را کودکان با کسب امتیاز کمتری پاسخ دادند.

از بین پژوهش‌های زبان فارسی که در همین راستا صورت گرفته است، می‌توان به مقاله گلفام و رنگین کمان (۱۳۸۶) تحت عنوان «فراگیری استعاره در کودکان پیش‌دبستانی» اشاره کرد که به بررسی درک استعاری کودکان ۳-۶ سال پرداخته است. ایشان ده آزمودنی را مورد بررسی قرار داده‌اند و داده‌های پژوهش به این سه روش صورت گرفته است: ۱. نشان دادن تصاویر با مفهوم استعاری، ۲. بررسی شعرهای کودکان در کودکانستان و ۳. داستان‌گویی به کودکان در قالب تصاویر. نتایج این بررسی حاکی از آن است که کودکان در سنین پیش از دبستان قادر به فهم مفاهیم استعاری هستند و این توانایی با افزایش سن افزایش می‌یابد. کودکان، ابتدا با مفاهیمی آشنا می‌شوند که جنبه ملموس‌تری دارد و سپس استعاره‌های انتزاعی شکل می‌گیرد.



بررسی قابل طرح دیگر در این زمینه، پایان‌نامه صادقی (۱۳۹۲) است که در پژوهش خود تحت عنوان «فرآیند رشد درک استعاره در کودکان ۶-۸ ساله فارسی‌زبان»، به توانایی درک استعاری کودکان پرداخته است. نتایج حاکی از آن است که کودکان در سنین پایین دارای توانایی اندکی در درک انواع استعاره هستند و به موازات رشد سنی و عقلی، تفسیر و استنباط آنان از استعاره‌ها در روند تکوینی متکامل می‌گردد. گفتنی است آنچه در مقاله حاضر با تحقیقات بالا متفاوت است، سن کودکان مورد مطالعه می‌باشد که تقلیل یافته و از سن ۲ سالگی در نظر گرفته شده است.

۳. مبانی نظری

از آنجا که استعاره بدن‌مند از مباحث مربوط به معناشناسی شناختی و زبان‌شناسی فرهنگی است و علاوه بر آن، درک استعاری کودک نیازمند دانش روان‌شناسی شناختی می‌باشد، در این قسمت، ابتدا مقدماتی در باب معناشناسی شناختی، استعاره، روان‌شناسی شناختی، زبان‌شناسی فرهنگی و بدن‌مندی مطرح می‌نماییم.

۳-۱. معناشناسی شناختی

«در معناشناسی شناختی، استعاره عنصری بنیادین در مقوله‌بندی و درک انسان از جهان خارج و نیز در فرآیند اندیشیدن است؛ بنابراین، در این رویکرد، استعاره مفهومی نوین می‌یابد و به هرگونه فهم و بیان یک مفهوم انتزاعی در قالب تصورات ملموس‌تر گفته می‌شود» (Lakoff, 1993: 28).

یکی از مواردی که در این حوزه مورد توجه قرار می‌گیرد، نقش بدن انسان در به وجود آمدن مفاهیم است که در ادامه بدان اشاره می‌شود.

ایوانز و گرین چهار اصل را به عنوان اصول کلی معناشناسی شناختی قلمداد می‌کنند:

الف. ساختار مفهومی بدن‌مند است: مفاهیمی که در ذهن آدمی به وجود می‌آیند از تعامل انسان با محیط شکل می‌گیرند؛ از این رو بدن انسان در این فرآیند مفهومی که به تولید معنا منجر می‌شود، نقش انکارناپذیری دارد؛

ب. ساختار معنایی، ساختاری مفهومی است: زبان به مفاهیمی که در ذهن گوینده می‌باشند،

ارجاع می‌دهد نه به اشیایی در جهان خارج. در این شیوه تفکر، ساختار معنایی برابر است با ساختار مفهومی؛ از این رو معانی قراردادی با مفاهیم زبانی یا واژگانی همراه هستند و بیان می‌شوند، البته نه به‌طور مطلق و کامل؛

ج. بازنمایی معنا، دایرةالمعارفی است: در نظریه‌های پیشین کلمات را بسته‌های معنایی روشن می‌دانستند، یعنی مانند آنچه در فرهنگ‌ها وجود دارد؛ اما در رویکرد شناختی به تمام گنجینه‌های دانشی‌ای که یک کلمه می‌تواند داشته باشد، اعم از معانی صریح، ضمنی، بافتی، مجازی و استعاری، توجه نشان داده می‌شود؛

د. معناسازی یعنی مفهوم‌سازی: این زبان نیست که معنا را رمزگذاری می‌کند، بلکه مفهوم است. مفهوم‌سازی به فرآیند پویایی گفته می‌شود که در آن واحدهای زبانی در خدمت عملیات مفهومی و دانش پس‌زمینه‌ای قرار می‌گیرند (Vide. Evans, & Green, 2006: 156- 157).

۲-۳. استعاره

از نظر لیکاف و جانسون (1980) استعاره‌ها تنها عبارات زبانی نیستند، بلکه ساختارهای مفهومی‌اند که جزء لاینفکی از شیوه‌ای هستند که ما توسط آن به مفهوم‌سازی جهان می‌پردازیم.

لیکاف می‌نویسد: «جایگاه دقیق و واقعی استعاره در زبان نیست، بلکه ما به طریقی یک حوزه ذهنی را [با استفاده از استعاره] بر مبنای حوزه دیگر مفهوم‌سازی می‌کنیم» (Lakoff, 1993: 43). به باور لی^۵ (2001) استعاره پدیده‌ای شناختی است؛ زیرا انسان مجموعه‌ای از پدیده‌ها را با توجه به مجموعه دیگری از پدیده‌ها درک می‌کند. ایوانز و گرین معتقدند که در زبان‌شناسی شناختی، برخلاف دیدگاه سنتی، این امکان وجود دارد که استعاره را انگیخته بدانیم؛ یعنی اصطلاحات استعاری به‌صورت خودکار و براساس قوانین زایا تولید می‌شوند و در عین حال با یک یا چند الگو در نظام مفهومی انطباق دارند (Vide. Evans, & Green, 2006: 213).

۳-۳. روان‌شناسی شناختی

روان‌شناسی شناختی به مطالعه فرآیندهای ذهنی مانند فکر کردن در افراد و وضعیت‌های



درونی ذهن می‌پردازد. تمرکز اصلی روان‌شناسان شناختی کشف چگونگی، کسب، پردازش و ذخیره‌سازی اطلاعات در انسان‌ها است. در ابتدا روان‌شناسی توجه چندانی به جنبه‌های شناخت در انسان‌شناسی نداشت؛ اما بعدها به این نتیجه رسید که رشد ذهنی کودک برای یادگیری مقولات فرهنگی و چیزهایی که خود کودک از سوی جامعه و اطرافیان یاد می‌گیرد اهمیت فراوان دارد (D'Andrade, 2006: 32).

تیلور بیان می‌دارد:

یکی از مسائلی که در دوره‌های اخیر روان‌شناسی شناختی را به سوی خود جلب کرده است، نقش عوامل فرازبانی در پردازش زبان است. کلمات علاوه بر آن‌که بر معنای حقیقی دلالت دارند، معنای مجازی نیز دارند؛ نقش عوامل موقعیتی، روان‌شناختی و فرهنگی در انتقال این نوع معنا کاملاً برجسته است. استعاره نیز بیانی مجازی است (Taylor, 1990: 73).

پیاژه^۶ (1959) در کتاب *روان‌شناسی هوش*، رشد و تحول شناختی را در کودکان بررسی کرد. به نظر وی رشد در طی مراحل صورت می‌گیرد. او چهار مرحله برای رشد شناختی و عقلانی کودک در نظر می‌گیرد: ۱. مرحله حسی- حرکتی^۷ (از تولد- ۲ سالگی)، ۲. مرحله پیش‌عملیاتی^۸ ۲- ۷ سالگی، ۳. مرحله عملیات عینی^۹ (۷- ۱۱ سالگی) و ۴. مرحله عملیات صوری (۱۱- ۱۶ سالگی). در مرحله حسی- حرکتی، تماس کودک با دنیای خارج، عملی است و فقط رفتارها بازتابی فطری را ابراز می‌کند. کودک بین من خود و دنیای خارج تفاوتی قائل نیست و این حالت را (خودمحوری^{۱۰}) می‌نامند. در مرحله پیش‌عملیاتی فکر همراه با زبان، بازی رمزی، تقلید، تصویر ذهنی و اشکال دیگر از کنش‌های رمزی آغاز می‌شود. در مرحله عملیات عینی، کودک قادر می‌شود عملیات عینی انجام دهد و به کودک اجازه می‌دهد دربارهٔ اعمالی که قبلاً به‌طور فیزیکی انجام می‌داده، فکر کند و نهایتاً مرحله عملیات صوری، دوره استقرار هوش انتزاعی و شروع تفکر تجریدی است (Vide. Ibid).

مفهوم گفتار از نظر ویگوتسکی^{۱۱} با مفهوم گفتار پیاژه متفاوت است. ویگوتسکی معتقد است که «ما در کودک ابتدا شاهد اندیشه بدون کلام و کلام بدون اندیشه هستیم و حوالی دوسالگی کلمه پدیدار می‌شود که درحقیقت آمیزه‌ای از اندیشه و گفتار است» (Vygotsky, 1978: 65). گیبس نیز بیان می‌دارد:

درک استعاری کودکان به دانش مفهومی آن‌ها بستگی دارد. تحقیقات نشان داده است که کودکان

همانند بزرگسالان می‌توانند نگاشت^{۱۲} اطلاعات را از حوزه مبدأ به حوزه مقصد صورت بخشند. کودکان قادرند به‌طور استعاری الگوبرداری کنند و بر طبق شرایط می‌توانند استعاره را درک کنند؛ بنابراین، آن‌ها دارای توانایی تفکر استعاری‌اند و تفکر استعاری، ویژگی فطری ذهن محسوب نمی‌شود، بلکه از تجربه‌های جسمی کودک نشأت می‌گیرد» (Gibbs, 1994: 3-4).

۳-۴. زبان‌شناسی فرهنگی

زبان‌شناسی فرهنگی یکی از زیرشاخه‌های علم زبان‌شناسی شناختی است که منشأ و ماهیتی چندرشته‌ای دارد. این علم نوپا به بررسی نقطه تلاقی زبان، فرهنگ و مفهوم‌سازی‌های زبانی می‌پردازد (Vide. Sharifian, 2011). پیشتر، پژوهشگران زبان‌شناسی فرهنگی در مطالعات خود به رابطه میان زبان و فرهنگ تأکید می‌کردند، ولی امروزه محققان در این رشته غالباً پایه‌های فرهنگی مفهوم‌سازی‌هایی را بررسی می‌کنند که در زبان رمزگذاری می‌شود و از طریق صور بلاغی، نظیر استعاره، در مکالمه‌ها به کار می‌رود. تمرکز اصلی زبان‌شناسی فرهنگی بر مفهوم‌سازی‌های زبانی است و دلیل این امر آن است که نطفه این علم از پارامتری در زبان‌شناسی شناختی شکل گرفته است که طبق آن بین زبان و مفهوم‌سازی‌های شناختی برآمده از تجربه‌های انسان، ارتباط نزدیکی وجود دارد (Vide. Ibid).

فیلمور بر آن است که:

مطالعات زبان‌آموزی کودکان نیز این نکته را تأیید می‌کند که کودکان از مختصه‌های دیداری به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه، برای شناسایی تفکیک مقولات از یکدیگر بهره می‌گیرند. در دیدگاهی که فیلمور معرفی می‌کند، واژه‌ها معرف مقوله‌بندی تجربیات جمعی هستند و هریک از این مقوله‌بندی‌ها به‌واسطه موقعیتی انگیزشی که در پیش‌زمینه‌ای از دانش و تجربه قرار دارد، برجسته می‌شود (Fillmore 1997: 63).

۳-۵. بدن‌مندی

یکی از سؤالات اصلی که لیکاف و جانسون (1980) مطرح کرده‌اند این است که پیچیدگی موجود در بازنمایی مفهومی ما از کجا نشأت گرفته است؟ پاسخ آن چنین است که این پیچیدگی تا حد زیادی، به دلیل رابطه محکم بین مفاهیمی است که انسان آن‌ها را به وجود می‌آورد و



همچنین به دلیل ماهیت فیزیکی انسان و طبیعت بدن او است. از این دیدگاه‌ها شکل و فیزیک بدن ما مستقیماً بسترساز نحوه ساختاربندی مفاهیم ما است.

رویکردهای عینیت‌گرا معنا را مستقل از طبیعت و ادراک ذهنی تعریف می‌کنند و رویکردهای تجربه‌گرا، معنا را براساس «تجسم» یعنی با توجه به قابلیت‌های بیولوژیکی تجربه‌های جسمانی و اجتماعی انسان تعریف می‌کنند (Vide. Lakoff, 1987: 266).

گیبس در کتاب *بدن‌مندی و علوم شناختی* خود مطرح می‌سازد که درک ذهنی انسان تحت تأثیر رفتار بدن‌مند او قرار می‌گیرد و محیط پیرامون او احساس شناخت انسان را اضافه می‌کند. برای ارتباط نیروی درونی انسان با محیط ما نباید تصور کنیم که شناخت، صرفاً درونی، سمبلیک، محاسبه‌گرانه و یا بدون بدن‌مندی است، بلکه باید دانست که زبان و اندیشه از ساختار بدن‌مند شکل می‌گیرند و تفکیک‌ناپذیر هستند (Vide. Gibbs, 2005: 1).

۴. روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی-آزمایشی است و بدون هیچ‌گونه دخل و تصرفی در متغیرها، بررسی درک استعاره‌ها به‌عنوان متغیر مستقل و سن کودکان به‌عنوان متغیر وابسته مورد آزمون قرار گرفت. نمونه‌گیری آزمودنی‌ها به‌صورت فردی و تک‌تک انجام پذیرفته است. جامعه آماری این پژوهش کودکان فارسی‌زبان مهد کودک‌های سه منطقه شهر تهران (منطقه یک، منطقه چهار و منطقه بیست) در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ می‌باشد. سعی شد کودکان از سه گروه فرهنگی متفاوت (مرفه، متوسط و ضعیف) شهر تهران انتخاب شوند و پرسش‌نامه، برگرفته از گفتار کودکان گروه‌های فرهنگی متفاوت جامعه شهری شهر تهران باشد که البته این تفاوت فرهنگی در پژوهشی دیگر در چهارچوب زبان‌شناسی فرهنگی مورد بررسی قرار گرفت^{۱۳}. حجم نمونه پژوهش حاضر ۶۰ کودک فارسی‌زبان با ضریب هوشی نرمال است که از طریق آزمون «استنفورد بینه» قبل از مصاحبه سنجیده شدند.

در این پژوهش، به‌منظور ارزیابی درک عبارات استعاری بدن‌مند از آزمون پژوهش بیالکا-پیکال (2003) استفاده شده است. وی براساس پنج مشخصه «رنگ، شکل، اندازه، حرکت و لامسه»، ده نوع استعاره بدن‌مند در زبان هلندی پدید آورد و این عبارات استعاری را در قالب

عکس‌های دوتایی مورد آزمون قرار داد. او به وسیله عروسک سخنگو این عکس‌های دوتایی را که نشانگر عبارات استعاره‌ی زبان هلندی بود، به کودکان نمایش داد و در ازای پاسخ کودک به سخنان عروسک سخنگو امتیازی به پاسخ آنان تعلق می‌گرفت. به‌عنوان مثال، مشخصه رنگ با عبارت استعاره‌ی «به سبزی قورباغه» مورد نظر قرار می‌گرفت و عروسک سخنگو آن را با دو کارت که یکی حاوی عکس قورباغه و دیگری حاوی عکس دختری با لباس سبزرنگ بود، به کودک نشان می‌داد و عروسک سخنگو خطاب به کودک می‌گفت: «وای چه لباس سبزی! تو قورباغه هستی؟» و کودک مورد آزمون پاسخی به این پرسش می‌داد که اساس امتیازدهی پژوهش بیالکا- پیکال بود. پژوهش حاضر نیز همین شیوه را مورد استفاده قرار داده است. با این تفاوت که علاوه بر آن پنج مشخصه، پنج مشخصه دیگر نیز مورد بررسی قرار گرفته است که عبارت‌اند از: مزه، بو، صدا، سرعت و اشیاء. همچنین کودکان از سن دوسالگی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. بیست عبارت استعاره‌ی زبان فارسی به وسیله عکس‌های دوتایی و با کمک عروسک سخنگو از کودکان پرسیده شد. طبق بررسی بیالکا- پیکال، کودکان در پاسخ‌گویی به عروسک، مشکلاتی از قبیل کمروبی و عدم همکاری را نداشتند؛ به همین سبب پرسش‌های مورد آزمون این پژوهش نیز توسط عروسک سخنگو از کودکان پرسیده شد.

نحوه امتیازدهی به پاسخ‌های کودکان نیز براساس کار بیالکا- پیکال صورت گرفت. به‌عنوان مثال، کودک مورد آزمون در یک عکس کودکی چاق را مشاهده می‌نمود و در عکس بعد، تصویر یک بشکه به کودک نشان داده می‌شد. عروسک سخنگو با نمایش این دو عکس رو به کودک درون عکس می‌گفت: «وای تو بشکه هستی؟! و کودک مورد آزمون با این سؤال عروسک وادار به پاسخ‌گویی می‌شد و در جواب می‌گفت: «نه اون بچه است و بشکه نیست» و یا «اون مثل بشکه چاق است» و غیره که به پاسخ‌گویی کودک در جواب عروسک امتیازاتی داده شد. اگر کودکی هیچ پاسخی نداده است امتیاز صفر را دریافت کرده است. اگر گفته است: «این بچه است و آن بشکه»، امتیاز یک را گرفته است. اگر کودک گفته است: «بچه چاق است و بشکه چاق است»، امتیاز دو را کسب کرده؛ زیرا شباهت میان دو عکس را دریافته است. اگر به شباهت اشاره کند اما باز هم جمله ناقص باشد، امتیاز سه را کسب می‌کند؛ زیرا دقیقاً عبارت استعاره‌ی را به کار نبرده است. ولی در صورتی که کاملاً اشاره کند که این بچه مثل بشکه است یا به بچه، لقب بشکه بدهد و بگوید: «این بچه مثل بشکه چاق است» و یا بگوید: «این بچه، بشکه



است»، امتیاز چهار را کسب می‌کند که بالاترین امتیاز درک عبارت استعاری است.

جدول ۱. نحوه امتیازدهی به پاسخ کودکان
Table 1. How to Rate Children's response

امتیاز ۰	امتیاز ۱	امتیاز ۲	امتیاز ۳	امتیاز ۴
کودک هیچ پاسخی نمی‌دهد (سکوت)	طرح شباهت (این بچه است، آن بشکه است)	طرح شباهت مورد نظر (بچه چاق است، بشکه چاق است)	درک ناقص عبارت استعاری (این بچه مثل بشکه است)	درک کامل عبارت استعاری به همراه وجه شبه (این بچه مثل بشکه چاق است)، این بچه، بشکه است.

۵. ابزار پژوهش

ابزار پژوهش حاضر ۴۰ کارت مصور است که آزمونگر برای مصاحبه با کودک از آن بهره برده است. این کارت‌ها براساس بیست نوع استعاره بدن‌مند تهیه و آماده گردیده و هر عبارت استعاری توسط دو کارت به کودک نشان داده شده است؛ به عنوان مثال، در عبارت استعاری به «قرمزی گل سرخ»، در یک تصویر کودکی با لباس قرمز رنگ وجود دارد و در تصویر دیگر، گلی سرخ که کودک با مشاهده این دو عکس باید ارتباط احتمالی این دو را دریابد. ابزار دیگر این پژوهش، لباس عروسک است که آزمونگر آن را به تن کرده و در زمان مصاحبه از آن استفاده نموده است. مانند پژوهش بیالکا- پیکال کودکان مصاحبه‌شونده‌ها نیز در مواجهه با عروسک سخنگو بهتر و راحت‌تر صحبت کردند. ابزار دیگر این پژوهش ضبط صوت بود که زمان مصاحبه با کودکان برای پیاده‌سازی هرچه راحت‌تر و دقیق‌تر اطلاعات از آن استفاده شد.

۶. یافته‌ها

براساس بررسی گفتار کودکان در مصاحبه با عروسک سخنگو و مقایسه پاسخ‌های ۶۰ کودک فارسی‌زبان، تفاوت‌های قابل توجهی در گفتار کودکان شش گروه سنی مشاهده گردید. به دلیل

تفاوت‌های موجود میان پاسخ‌های کودکان در هر منطقه، سعی شد داده‌های به‌دست‌آمده با شیوه‌های آماری، مورد بررسی و بازبینی قرار گیرد. جدول شماره پنج به توزیع فراوانی داده‌ها براساس نوع استعاره (چاق-بشکه) می‌پردازد. این جدول به‌عنوان نمونه از میان بیست جدول فراوانی استعاره‌ها در اینجا ارائه شده است. در این جدول علاوه بر توصیف فراوانی گروه‌های سنی مختلف از میانگین/لیکرت نیز برای توصیف بهتر فراوانی استفاده شده است.

جدول ۲. توزیع فراوانی داده‌ها براساس استعاره اندازه (چاق-بشکه)

Table 2. Data Base Size Frequency Distribution on the Metaphor (obese – barrels)

رتبه لیکرت	جمع امتیاز	چاق-بشکه				سن
		چهار	سه	دو	یک	صفر
۰/۴	۱۰	۰	۰	۱	۲	۷
۱/۵	۱۰	۱	۲	۱	۳	۳
۱/۳	۱۰	۱	۳	۲	۰	۴
۲/۲	۱۰	۰	۵	۳	۱	۱
۲/۱	۱۰	۲	۲	۳	۲	۱
۳/۰	۱۰	۲	۷	۱	۰	۰
جمع	۶۰	۶	۱۹	۱۱	۸	۱۶

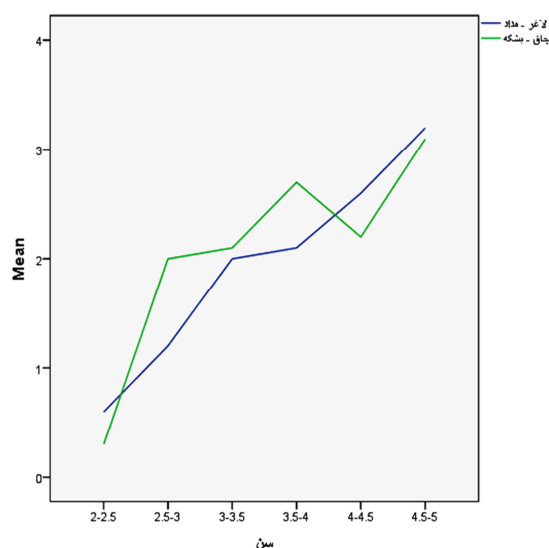
چنانچه قابل مشاهده است، در گروه سنی یک (۲- ۲/۵ ساله‌ها) درباره استعاره اندازه در عبارت «چاق-بشکه» از مجموع ۱۰ کودک، ۷ نفر سکوت کرده‌اند، ۲ نفر امتیاز ۱ را کسب کرده‌اند و ۱ نفر امتیاز ۲ را کسب کرده است. هیچ‌یک از افراد این گروه سنی، امتیاز ۳ و ۴ را دریافت نکرده‌اند که این امر نشان‌دهنده درک محدود آنان از عبارت استعاره مورد نظر است. نحوه احتساب رتبه لیکرت برای داده‌های بالا به شرح ذیل است:

$$\bar{X} = \frac{f.R}{n} = \frac{7 \times 0 + 2 \times 1 + 1 \times 2 + 0 \times 3 + 0 \times 4}{10} = 0.4$$

با استفاده از مقیاس لیکرت مشخص شد که رتبه این گروه سنی در حد ۰/۴ از ۴ می‌باشد؛ یعنی استعاره بدن‌مند اندازه برای گروه سنی یک (۲- ۲/۵ سال) در عبارت «چاق-بشکه» در



حد ۰/۴ از ۴ برای کودکان بوده است. مقیاس لیکرت درباره تمام استعاره‌ها در تمام گروه‌های سنی محاسبه شده است و براساس اعداد به دست آمده، میزان درک کودکان در گروه‌های سنی مختلف براساس نوع استعاره بررسی شده ارائه شد. نتایج حاصل از درک مشخصه اندازه در تمامی گروه‌های سنی در نمودار «۱» مشاهده می‌شود.



نمودار ۱. روند تأثیرپذیری سن در درک استعاره اندازه

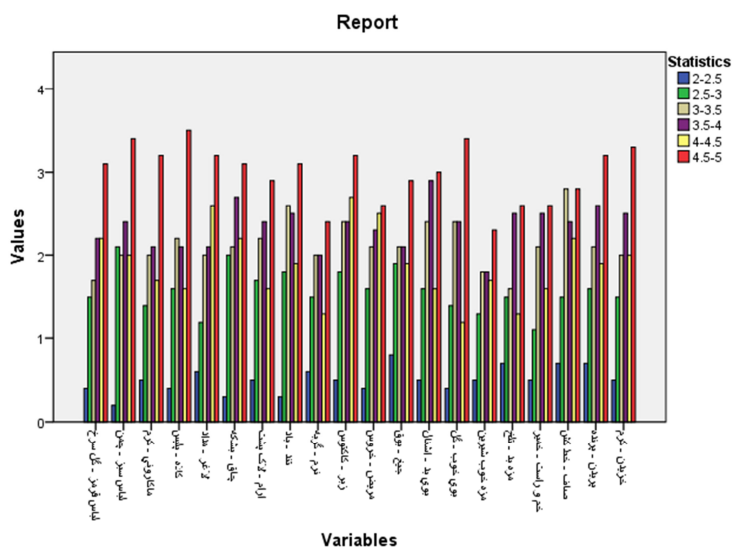
Chart 1. The Influence of Age and Underestands the Metaphor-Size

به منظور بررسی میانگین پاسخ‌های کودکان به عبارات استعاری اندازه، به تفکیک سن و به منظور بررسی متغیر سن بر درک عبارات استعاری از نمودار «۱» استفاده شده است. این نمودار نشانگر آن است که درک استعاره بدن مند اندازه در دو عبارت «چاق مثل بشکه» و «لاغر مثل مداد»، براساس پاسخ‌گویی کودکان در تمامی رده‌های سنی به شرح زیر است:

۱. گروه سنی یک (۲-۲/۵ ساله) میانگین امتیاز ۱ را کسب کرده است؛

۲. گروه سنی دو (۲/۵-۳ ساله) میانگین امتیاز ۲ را کسب کرده است؛

۳. گروه سنی سه (۳-۳/۵ ساله) میانگین امتیاز ۲ را کسب کرده است؛
۴. گروه سنی چهار (۴-۳/۵) میانگین امتیاز ۳ را کسب کرده است؛
۵. گروه سنی پنج (۴-۴/۵) میانگین امتیاز ۲ را کسب کرده است؛
۶. گروه سنی شش (۴/۵-۵ ساله) میانگین امتیاز ۴ را کسب کرده است.
- تمامی اطلاعات مستخرج از جداول توصیفی-تحلیلی که نمونه‌ای از آن در بالا ذکر شد، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت و در نهایت، در نمودار شماره «۲» نتایج میانگین رتبه لیکرت در بیست عبارت استعاری بدن‌مند در تمامی شش گروه سنی ارائه گردید.



نمودار ۲. نتایج تحلیل بیست نوع عبارت استعاری بدن‌مند در شش گروه سنی

Chart 2. Twenty – Benefit Analysis of the Body Metaphor in Six Age Groups

نتایج تحلیل‌های آماری حاکی از آن است که کودکان از حدود ۲- ۳/۵ سالگی کلام استعاری را درک می‌کنند. چنانچه مشاهده شد، حدود $\frac{1}{3}$ کودکان گروه سنی یک پژوهش، یعنی کودکان ۲- ۳/۵ ساله، در درک انواع استعاره‌های بدن‌مند موفق بوده‌اند و با پاسخ‌های درست،



ابتدایی‌ترین میزان درک استعاره‌های بدن‌مند را در زبان فارسی نشان داده‌اند. اگرچه این پاسخ‌ها و امتیازات کسب‌شده به نسبت گروه‌های سنی بعد بسیار کم است، اما امتیازات حاصله نشانگر درک کلام استعاری در بیشتر ده نوع استعاره بدن‌مند است. استعاره رنگ در این گروه سنی، کمترین امتیاز حاصل را داشته است. دلیل کم‌کاربرد بودن استعاره رنگ، شناخت حداقلی کودکان از مقوله رنگ در این گروه سنی است. استعاره‌های حرکت، اشیاء، مزه، صدا و لامسه از میان انواع استعاره‌ها در این گروه سنی بیشترین امتیازات را به خود اختصاص داده است و انواع دیگر استعاره‌ها مثل بو، اندازه، شکل و رنگ امتیاز کمتری داشته است.

در گروه سنی دو (۲/۵-۳ ساله) می‌توان شاهد پیشرفت شناختی قابل توجهی بود. به این معنا که تفاوت چشمگیری در درک عبارات استعاری میان این گروه سنی و گروه سنی یک وجود دارد. امتیازات حاصل، نشانگر رشد و تحول قابل توجهی می‌باشد که می‌توان این مسئله را در پژوهش‌های دیگری مورد بررسی قرار داد. در این گروه سنی، استعاره‌های اشیاء، مزه و شکل، کمترین امتیازات حاصل و استعاره‌های رنگ، صوت و حرکت، بیشترین امتیازات را دارا بوده‌اند.

گروه سنی سه (۳-۳/۵ ساله) امتیازات بالاتری نسبت به دو گروه پیشین داشته‌اند و به‌وضوح تفاوت محسوسی میان پاسخ‌ها موجود بوده است. در این گروه سنی استعاره‌های رنگ و مزه حداقل امتیاز و استعاره‌های اشیاء و سرعت، بیشترین امتیاز را داشته‌اند.

گروه سنی چهار (۳/۵-۴ ساله) اگرچه پیشرفت در درک استعاره دیده می‌شود، اما امتیازات آن‌ها تفاوت چندانی با گروه سنی سه ندارد. البته رشد نسبی در پاسخ‌ها موجود است اما به علت عدم دقت کافی در پاسخ‌گویی‌ها، امتیاز کامل دریافت نکرده‌اند. در این گروه سنی استعاره مزه، رنگ و صوت، کمترین امتیاز حاصل را برای آن‌ها داشته است و بیشترین امتیازات را در استعاره‌های بو، حرکت و سرعت به دست آورده‌اند.

گروه سنی پنج (۴-۴/۵ ساله) امتیازات کودکان تفاوت چشمگیری با گروه سنی چهار ندارد. و برخلاف انتظار، فرآیند روبه‌رشدی نیز مشاهده نمی‌شود. مهم‌ترین عامل آن را می‌توان بازیگوشی و عدم توجه کافی کودکان در این گروه سنی دانست؛ زیرا کودکان این گروه سنی بسیار علاقه‌مند بودند که با آنان بازی شود و اغلب کودکان مورد آزمون در این گروه سنی با بازیگوشی از پاسخ دادن طفره می‌رفتند و این از عهده مصاحبه‌گر خارج بود^{۱۴}. در این گروه

سنی استعاره‌های بو، مزه و شکل، کمترین امتیاز و استعاره‌های اندازه، صوت و رنگ بیشترین امتیاز را داشته است.

گروه سنی شش (۴/۵- ۵ ساله) در این گروه سنی رشد قابل قبولی در امتیازات حاصل مشاهده می‌شود. کودکان به‌خوبی همکاری می‌کنند و به آزمونگر پاسخ‌های قابل قبول ارائه می‌کنند و مطابق انتظار، فرآیند روبه‌رشد کلامی مشاهده می‌شود. در این گروه سنی استعاره‌های اندازه، مزه، وسایل، کمترین امتیاز و استعاره‌های شکل، حرکت و رنگ، بیشترین امتیاز حاصل را داشته است.

۷. نتیجه‌گیری

کودکان فارسی‌زبان نیز مانند سایر کودکان که در پژوهش‌های همسو عنوان شد، برای بیان توصیفات خود از عبارات استعاری بدن‌مند استفاده می‌کنند. این عبارات استعاری بدن‌مند در هر گروه سنی بنابر نوع شناخت کودکان از بدن و دانش زبانی آنان متفاوت است. تلویزیون، کتاب‌ها، کاردستی‌ها و بازی‌های مدرن امروزی نظیر ایکس‌باکس و کینکت، کودکان را به عوالم مجازی سوق داده‌اند و ناخودآگاه در دانش درک استعاری آنان تفاوت شگرفی به وجود آورده‌اند. به همین منظور بازبینی زمان درک استعاری کودک موضوع قابل توجهی است که پژوهش حاضر به آن پرداخته است.

درمجموع، یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که کودکان در سنین حدود دوسالگی نشانه‌هایی از درک استعاره‌های بدن‌مند را دارا هستند. درک بهتر استعاره‌ها نیازمند رشد شناختی بیشتر در سنین بالاتر است. یافته‌های این پژوهش همسو با پژوهش‌های مشابهی که در زبان انگلیسی و فارسی انجام شده است، می‌باشد؛ با این تفاوت که سن آزمودنی‌ها در پژوهش حاضر به دوسال تقلیل یافت. مطالعات انجام‌شده توسط گرژیونا (2007)، بیالکا-پیکال (2003)، گلفام و رنگین‌کمان (۱۳۸۶) و صادقی (۱۳۹۲)، مؤید آن است که بین رشد سنی و شناختی کودکان ارتباط مستقیمی برقرار است؛ با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان به این نکته اشاره کرد که کودکان به‌موازات افزایش سن از نظام مفهومی کامل‌تری برخوردار می‌شوند. رشد شناختی کودکان در پاسخگویی به انواع سؤالات مطرح‌شده عبارات استعاری بدن‌مند مؤثر است و کودکان به میزان رشد درک شناختی خود در گروه‌های سنی مختلف



پاسخ‌های متفاوتی با بسامد آماری قابل توجه ارائه دادند. در نهایت می‌توان گفت این کاربرد استعاری عبارات توسط ۶ گروه سنی مورد بررسی به‌هیچ‌وجه تصادفی نیست، بلکه از پیوند نظام‌مند میان حوزه دریافت فیزیکی و حوزه ادراک ذهنی و شناختی کودکان سرچشمه گرفته است و به همین سبب چنین شناختی منحصر به فرد نیست و درصد قابل توجهی از شناخت کودکان را در سنین مختلف مورد بررسی به نمایش می‌گذارد.

۸. پی‌نوشت‌ها

1. Embodied Metaphorical Phrases
2. J.W.Piaget.
3. M.Bialeka.Pikul.
4. K. Grzywna
5. D. Lee
6. M. Green
7. R. Dandrade
8. I. Taylor
9. J.Piaget
10. Sensorimotor stage
11. Preoperational stage
12. Concrete operational stage
13. Egocentrism
14. L. S. Vygotsky
15. R. Gibbs
16. Mapping.
17. C. J. Fillmore

۱۸. بررسی دیگری در همین زمینه با عنوان «تهیه و تدوین پرسش‌نامه عبارات استعاری کودک فارسی‌زبان» آماده چاپ است.

۱۹. هفت آزمودنی در این گروه سنی، مصاحبه را نیمه‌کاره رها کردند و به‌ناچار تعداد دیگری جایگزین آنان شدند؛ اما تعداد دیگر نیز حتی با کارتها و لباس مصاحبه‌گر بازی می‌کردند و به‌سختی تمام، موارد آزمون از آنان پرسیده شد!

۹. منابع

- صادقی، شهلا (۱۳۹۲). *فرآیند رشد درک شناختی در کودکان ۶ تا ۸ ساله فارسی زبان*. پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- گلفام، ارسلان و فرانک رنگین کمان (۱۳۸۶). «فراگیری استعاره در کودکان پیش از دبستان» *مجموعه مقالات هفتمین همایش زبان شناسی ایران*. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی. صص ۷۰۸-۷۱۸.

References:

- Bialeka-Pikul, M. (2003). "Metaphors in preschool child thinking about the mind". *Journal Psychology of Language and Communication*. Vol. 17. No. 2. pp. 37-47.
- D'Andrade, R.Y. (2006). *A Study of Personal and Culture*. Values: American, Japanese, and Vietnams the New York: Palgrave McMillian.
- Evans, V. & M. Green (2006). *Cognitive Linguistics: An Introduction*. Edinburgh University press.
- Fillmore, C.J. (1997). "Scenes- and- frames Semantics". in A. Zampolli (ed). *Linguistics Structures Processing*. Amsterdam: North Holland. pp. 55-82.
- Golfam A. & F. Ranginkaman (2007). "Metaphor learning in preschool children". *Proceedinds of the 7th Iranian Conference on Linguistics*. Dec 11-12. Tehran: Allameh Tabatabaee University [In Persian].
- Gibbs, R.W. (1994). *The Poetic of Mind: Figurative Thought Language and understanding*. Cambridge: Cambridge University Press.
- ----- (2005). *Embodiment and cognitive science*. Cambridge. Cambridge University Press.
- Grzywna, K. (2007). *Metaphor Comprehension by Preschool Children*. M.A, thesis. University of Adama Michiewicz.
- Lakoff, G. (1987). *Women, Fire and Dangerous Things: What Categories Reveal About the Mind*. Chicago: The university of Chicago press.



- ----- (1993). "The Contemporary Theory of Metaphor". In *Metaphor and Thought*. (2 nd Edition) Andrew Ortony (Ed). 202- 251. Combridge: Cambridge University Press.
- ----- & M. Johnson (1980). *Metaphors We Live by*. Chicago: Chicago University Press.
- Lee, D. (2001). *Cognitive Linguistics, An Introduction*. Oxford: Oxford University Press.
- Piaget, J.W. (1959). *The Language and Thought of the Child*. London: Routledge & Kegan Paul.
- Sadeghi, Sh. (2014). *The Process of Metaphor Development in Persian-Speaking Children* [dissertation]. Tehran: School of Persian Literature and Foreign Languages, Allameh Tabatabaee Univ. [Persian].
- Sharifian, F. (2011). *Language and Cultural Conceptualization*. Amsterdam: John Benjamin Strauss, Claudia, and Naomi Quinn. (1997). *A Cognitive Theory of Cultural Meaning*. Cambridge: Cambridge university press.
- Taylor, I. (1990). *Psycholinguistics: Learning and Using Language*. Englewood cliffs, New Jersey: Prentice Hall.
- Vygotsky, L.S. (1978). *Mind in Society*. Cambridge, Massachusetts Harvard university press.